

پروبلما



# صورت و جوهر زبانی

نویسی یلمزلف  
برگردان محمد امین شاکری

شهریور ۱۳۹۹

## اشاره:

در متن بسیار مختصر و فشرده‌ی پیش‌رو، با مقدمه‌ای صریح و ساده برای ورود به معرفت‌شناسی درون‌ماندگار مدنظر یلمزلف روبرو هستیم. این ورود، همان‌طور که از عنوان پیداست، از طریق تمایز «صورت/جوهر»، که برداشتی رادیکال از این تمایز نزد سوسور است و محور بنیادی علم مطلوب گلوسم‌شناسی (glossématique) محسوب می‌شود، میسر می‌گردد. این نوشتار خصوصاً از دو جهت حائز اهمیت است:

نخست این که در این‌جا شاهد تنها حضور دو مفهوم بنیان حرکات (bevægelsesfond) و بنیان معانی (meningsfond) در میان متون منتشرشده از یلمزلف هستیم. این مفاهیم در رابطه‌ای روشن با بحث صورت/جوهر مطرح می‌شوند و موضع یلمزلف را نسبت به دیدگاه‌های فلسفه‌ی زبانی هم‌عصرش تصریح می‌کنند. این جریان‌های غالب با اتکا بر تمایز «صورت/محتوا»، تمرکز خود را به دو رشته‌ی پیشاپیش منفک پنداشته‌شده‌ی هستی، یکی بیان‌ها، یا «حرکات»، و دیگری اندیشه‌ها، یا «معانی»، معطوف کرده‌بودند و در صدد بودند تا از نظرگاهی استعلایی و با هم‌کاسه کردن زبان با یکی از آن‌ها، به تحلیل‌شان پردازند و قوانینی جهانی برای هر یک وضع کنند. حاصل این رویکرد غالب بازتولید مناقشاتی فیزیکی یا متافیزیکی بود که ریشه در سنت‌های قرون‌وسطایی داشت – وضعیتی که هنوز در نظریه‌ها و فلسفه‌های زبانی پابرجاست. یلمزلف با معرفی «بنیان حرکات» و «بنیان معانی» به مثابه یک صورت کل پروبلمتیک موجود را دگرگون می‌کند و از امکان گذر از نظریه‌های جوهربنیاد – چه حرکت‌محور و چه معنی‌محور – سخن می‌گوید؛

مسئله‌ی دوم - که به ملاحظات گاهشماری متون نظریه باز می‌گردد - این که این نوشته مربوط به سال ۱۹۳۷ است، یعنی چهار سال پس از شروع پروژه‌ی علم گلوسم‌شناسی و شش سال پیش از انتشار کتاب تمهیداتی بر نظریه‌ی زبان<sup>۱</sup>. نکته این‌جاست که گویا یلمزلف موضع ویژه‌ی درون‌ماندگاری زبانی را - که رادیکال‌ترین نسخه‌ی آن است و در تمهیدات به‌شکل مطلوبی بازتاب یافته - بسیار پیش‌تر از ارائه‌ی مبسوط معرفت‌شناسی‌اش، به‌طور کامل پرورانده است.

توضیح آخر این‌که متن زیر چکیده‌ی سخنرانی یلمزلف در دسامبر سال ۱۹۳۷ در دانشگاه آرهوس (Århus) است که سخنران آن را برای انتشار در نشریه‌ی *Humanistisk Samfund* آماده کرده بوده، ولی از قضا آن شماره از نشریه منتشر نشده و این برگه به بایگانی نشریه منتقل شده است. متن اصلی این سند به دانمارکی است. ترجمه‌ی حاضر از روی ترجمه‌ی فرانسوی آن که در سال ۲۰۱۳ در نشریه‌ی *Janus* به چاپ رسیده انجام شده است.

---

F. J. Whitfield تحت عنوان (1961) *Prolegomena to a Theory of Language*؛ ترجمه‌ی فارسی توسط محمدمین شاکری تحت عنوان *تمهیداتی بر نظریه‌ی زبان* (۱۳۹۷)، انتشارات خوارزمی.

## چکیده

از زاویه نگاهی ابتدایی، زبان گفتاری<sup>۱</sup> یک توده‌ی آوایی است، و زبان در کل (یعنی چنان که نوشتار، ایماها و علامات را نیز در بر گیرد) جریانی از حرکات است که معنی<sup>۲</sup> را ابراز می‌کند. حرکات و معانی در رابطه‌ای مستقیم با یکدیگر قرار دارند، اما خود معانی متعلق به زبان نیستند.

به شیوه‌های بسیاری می‌توان نشان داد که این دیدگاه ابتدایی اشتباه است: زبان صرفاً حرکاتی نیست که به‌طور بالفعل تحقق یافته‌اند (پارول<sup>۳</sup>)، بلکه پیش از هر چیز، بنیان حرکات<sup>۴</sup> است، مخزنی است از حرکات ممکن یا مجاز، و افزون بر آن، بنیان معانی<sup>۵</sup> است، مخزنی است از معانی تکینه‌ی ممکن یا مجاز. در پس پشت پدیدار (حرکت و معنی تکینه، بالفعل شده و مجاز)، پدیدار جانشینانه<sup>۶</sup> (یعنی حرکات و معانی مجاز دیگری که می‌توانند به‌جای حرکت و معنی بالفعل شده متجلی شوند) را می‌یابیم. حرکات تحت سلطه‌ی یک صورت<sup>۷</sup> هستند، و معانی نیز، تحت سلطه‌ی همان. در دو صفحه‌ی زبان، صفحه‌ی بیان<sup>۸</sup> یا صفحه‌ی حرکت، و صفحه‌ی محتوا<sup>۹</sup> یا صفحه‌ی معانی، باید بین صورت زبانی<sup>۱۰</sup> و آنچه را که صورت می‌بخشد

---

<sup>1</sup> langage parlé [talesproget]

<sup>2</sup> sens [mening]

<sup>3</sup> parole

<sup>4</sup> fonds de mouvements [bevægelsesfond]

<sup>5</sup> fonds de sens [meningsfond]

<sup>6</sup> phénomène paradigmatique

<sup>7</sup> forme

<sup>8</sup> plan de l'expression [udtryksplanet]

<sup>9</sup> plan du contenu [indholdsplanet]

<sup>10</sup> forme langagière [sprogformen]

(جوهر<sup>۱</sup>ها: حرکات و معانی) تمایز قائل شد. بدین سان، بیان و محتوا دو وجه از خود زبان هستند و بایکدیگر به طور غیرمستقیم، به واسطه‌ی یک صورت، وارد رابطه می‌شوند. تنها صورت، و نه جوهر، متعلق به خود زبان است.

مطالعه‌ی جوهرها از طریق صورت‌هایی که به طور سوپژکتیو [یا: ذهنی] اختیار می‌شوند، مطالعه‌ای پیشینی‌انگار<sup>۲</sup> و استعلایی<sup>۳</sup> [یا: ترافرازنده/فراگذرنده] است: چه فلسفه‌ی کلاسیک (نظریه‌ی استعلایی محتوا)، چه آواشناسی کلاسیک (نظریه‌ی استعلایی بیان). از آن‌جا که جوهر را نمی‌توان جز به واسطه‌ی صورت شناخت، و از آن‌جا که صورت زبانی<sup>۴</sup> تنها صورت به طور ابژکتیو [یا: عینی] داده شده<sup>۵</sup> است، روش زبانی تنها روشی است که راه را برای دانشی ابژکتیو از جوهر می‌گشاید. از این ملاحظات، این نتیجه برمی‌آید که هستی‌شناسی باید بر [بستر] زبان‌شناسی بنا شود. تنها در این مسیر است که کلیت علم می‌تواند به شیوه‌ای تجربی و درون‌ماندگار<sup>۶</sup> بنا گردد.

---

<sup>1</sup> substance

<sup>2</sup> apriorique

<sup>3</sup> transcendentale

<sup>4</sup> forme langagière [sprogformen]

<sup>5</sup> donné

<sup>6</sup> immanent

منبع سند اصلی (به دانمارکی):

Louis Hjelmslev, « Sproglig form og substans », *Humanistisk Samfund*, décembre 1937. Iné dit.

منبع متن ترجمه فرانسوی:

Louis Hjelmslev, « Sproglig form og substans », (*Humanistisk Samfund*, décembre 1937. Iné dit).  
Traduction du danois par Per Aage Brandt. Dans : *Janus* 11/12. 2013 : 205.